آینه

اعتماد

نفوذ با ماسک انقلابی‌گری

• **در گفت‌وگو با علی‌اکبر محتشمی‌پور:** حضرت امام با بینشی بلند و تحلیلی جامع می‌دانستند که شیاطین روزگار برای ازکارانداختن موتور انقلاب و بی‌هویت‌کردن آن حتما وارد عمل خواهند شد. ازهمین‌رو رخنه و نفوذ عوامل ضدانقلاب با پوشش انقلابی‌گری در نهادها و ارکان انقلاب همیشه در مرکز توجهات ایشان قرار داشت... . دربسته و سربسته بگوییم؛ کسانی که در این انقلاب هرگز دستی بر آتش نداشته‌اند یا از اساس مخالف نهضت اسلامی و مخالف حرکت توأمان امام و ملت بوده‌اند، بعد از پیروزی انقلاب با ماسک جدید وارد شده‌اند. خیلی از این گروه‌ها و احزاب و بسیاری از این جریانات انحرافی به‌گونه‌ای ماسک اسلام و انقلاب را به چهره زدند که خیلی‌ها فریب آنها را خوردند... . انجمن حجتیه که یکی از شاخص‌ترین جریان‌های نفوذی و نامحرم انقلاب است، حضرت امام هرگز نگاه خوبی به این انجمن نداشتند. ایشان خطر انجمن حجتیه را برای انقلاب بسیار جدی تلقی می‌کردند. فقط فرق‌شان با پیش از انقلاب و اوایل انقلاب این است که ماسک انقلابی به صورت زدند و توانستند از غفلت مسئولان وارد ارکان نظام شوند و پست‌های حساس هم بگیرند... . حضرت امام در ارتباط با نهاد مهم شورای نگهبان و حضور عوامل نفوذی در اطراف فقهای شورای نگهبان بارها تذکرات جدی‌ای دادند. اگر بخواهم یک نمونه از این هشدارها را به‌عنوان مثال بگویم پیامی است که ایشان به مناسبت گشایش مجلس دوم و رد صلاحیت سیدمحمد سلامتی به شورای نگهبان فرستادند. چراکه آقای خزعلی که عضو فقهای شورای نگهبان بودند، سخنانی را درباره محمد سلامتی مطرح کرده بودند... . واردشدن در بازی‌های سیاسی موجب فساد نیروهای مسلح و فروپاشی آنها از درون خودشان می‌شود... طبیعی است که از نظر امام این خطر بزرگی است که ارتش و سپاه و سایر نیروها را تهدید می‌کند.

ایران

اجماع کلید ابرچالش‌های اقتصادی

• **محسن جلال‌پور:** در سال‌های گذشته بارها از سوی اقتصاددانان و ناظران توسعه درباره وجود چند چالش جدی در کشور هشدار داده شده... . با گذشت زمان چند چالش اقتصاد ایران به ابرچالش‌های نگران‌کننده تبدیل شده‌اند که امروز شرایط نگران‌کننده‌ای برایمان به وجود آورده‌اند. به نظر می‌رسد با تمهید رهبری چهار ابرچالش جدی در دستور کار سران قوا قرار گرفته است که به این شرح هستند: کسری بودجه دولت، بحران نظام بانکی، موانع کسب‌وکار و تولید، فقر و نابرابری... . سه سال دیگر، ۵۰ درصد بودجه را باید صرف پرداخت حقوق به بازنشستگان کنیم. پس بیخود نیست که از کسری بودجه به‌عنوان «ام‌المصائب» اقتصاد کشور یاد می‌شود، چون به‌تنهایی بر ابرچالش‌های بحران آب، محیط زیست، صندوق‌های بازنشستگی و نظام بانکی تأثیر می‌گذارد و بی‌کاری را نیز تشدید می‌کند. فقر و بی‌کاری عواقب سیاسی و امنیتی دارد... . در این شرایط حساس، انتظار از حاکمیت این است که در مسیر اصلاح و ترمیم گام بردارد و مردم نیز باید صبوری کنند. ما وسط پیچیده‌ترین و حساس‌ترین بازی یک قرن گذشته قرار داریم و در جهان پرآشوب فعلی، هیچ سناریویی به‌نفع ما نوشته نمی‌شود. به گمانم در هیچ زمانی، مردم ایران تا این اندازه تنها نبوده‌اند. پس همبستگی و اتحاد و صبوری را برای چه زمان و چه شرایطی تجویز کرده‌اند؟

قانون

برج بلند تخلفات قالیباف

• قالیباف رفته است اما راه او در شهرداری ادامه دارد. محمدباقر قالیباف در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۹۶ از تقسیم جامعه به دو دسته چهاردرصد اغنیا و ۹۶ درصد فقرا و اختصاص تمامی منابع کشور به آن چهار درصد سخن گفته بود؛ چهاردرصدی‌هایی که به‌راحتی در تهران مقابل دیدگان اعضای شورای شهر و شهردار اصلاح‌طلب جولان می‌دهند و برج غیرقانونی خود را می‌سازند. مسئولان مربوطه در دیگر نهادها نیز راه سکوت را در پیش گرفته‌اند. هم‌اکنون در شهرک غرب تهران، برج بزرگی در حال احداث است که عالی‌ترین مقام قانونی کشور در زمینه ساخت‌وساز، آن را خلاف و غیرقانونی می‌داند و به‌صراحت دستور توقف آن را داده است، اما عملیات اجرائی آن همچنان و بی‌هیچ مانعی، چه‌بسا با سرعت و شدت بیشتری نسبت به قبل، در حال انجام است. داستان آخرین برج هرمزان مانند صدها برج دیگر پایتخت به ناتوانی نهادهای نظارتی و اجرائی در کنترل ساخت‌وساز در تهران بازمی‌گردد. اما برج ۲۷ طبقه هرمزان که از خشت نخست خلاف ساخته شده است، با تمامی برج‌های تهران یک تفاوت اساسی دارد. برای نخستین‌بار زور وزیر راه‌وشهرسازی به برج‌سازان نرسیده است و باوجود لغو مجوز این برج در شورای عالی معماری و شهرسازی، هر روز بر طبقات این برج افزوده می‌شود. گویا در روزهایی که شورای شهر تهران سرگرم استعفا و پس از آن انتخاب شهردار بوده، شهرداری منطقه دو با شرکت عمران تکلار، به‌عنوان سازنده آخرین برج هرمزان، توافقاتی انجام داده و درحال‌حاضر عملیات ساختمانی این برج از سر گرفته شده است.

politics@sharghdaily.ir

گفت‌وگو با نماینده سیدعمار حکیم (جریان حکمت ملی) درباره انتخابات عراق

هرکس بخواهد دولت تشکیل دهد باید با ما ائتلاف کند

نیازمند چهره مستقل و تازه برای نخست‌وزیری هستیم

عکس: سهند تاکی، شرق

مازیار خسروی- لیلا ابراهیمیان: ۱۹ روز قبل بود (بیست‌ودوم اردیبهشت) که اولین انتخابات پارلمان عراق بعد از شکست داعش برگزار شد تا آینده سیاسی عراق برای چهار سال آینده رقم بخورد؛ انتخاباتی که در آن ائتلاف‌ها بیشترین رنگ را به خود گرفتند تا ۳۲۸ نماینده پارلمانی انتخاب شوند. در این انتخابات، نوری‌المالکی، نخست‌وزیر پیشین عراق، با ائتلاف دولت قانون (۲۵ کرسی)، حیدرالعبادی، نخست‌وزیر، با ائتلاف نصر (۴۳ کرسی)، هادی عامری، رهبر حشدالشعبی، با ائتلاف فتح (۴۷ کرسی)، اباد علاوی، ائتلاف وطنیه (۲۳ کرسی)، اسامه‌النجیفی، با ائتلاف قرارالعراقی (۱۹ کرسی) مقتدی صدر با چپ‌گراها، کمونیست‌ها و سکولارها ائتلافی به نام سائرون للاصلاح (۵۴ کرسی) و سیدعمار حکیم، حکمت ملی (۲۰ کرسی) شرکت کردند؛ انتخاباتی که عده‌ای نتایج آن را به شگفتی‌های انتخاباتی تعبیر می‌کنند؛ شگفتی‌هایی از پیروزی جریان صدر تا آمار پایین مشارکت مردمی که به سرخوردگی اجتماعی یا اعتراض خاموش تعبیر می‌شود. حالا سیدضرغام حسینی، نماینده جریان «حکمت» در ایران، در گفت‌وگو با «شرق» جریان حکمت ملی را مهم‌ترین و تأثیرگذارترین حزب جوان عراق می‌داند و معتقد است که هرکسی بخواهد در عراق دولت تشکیل دهد باید با جریان حکمت ائتلاف کند. او همه ائتلاف‌ها را جبهه‌های متشکل از احزاب متعدد می‌داند و به نظر او تنها حکمت ملی است که به‌تنهایی توانسته این تعداد کرسی را به دست آورد. گفته‌های او نشان از این دارد که برای تشکیل دولت ممکن است حکمت ملی با جریان نصر و سائرون ائتلاف کند، ولی انتخابات عراق، معترضانی هم دارد؛ اخباری از مذاکرات و ائتلاف لیست‌های شیعی و کُردی منتشر می‌شود که دو ائتلاف بزرگ سنی، همچنان بر اعتراضات خود نسبت به نتایج نهایی اعلام‌شده از سوی وزارت کشور پافشاری می‌کنند. به گزارش روزنامه سعودی الشرق‌الاوسط، اباد علاوی و اسامه‌النجیفی، رؤسای ائتلاف‌های الوطنیه و قرارالعراق نتایج فعلی را، به‌ویژه در استان‌های سنی نامعتبر می‌دانند. شاید این‌بار هم مانند چهار سال قبل، تشکیل پارلمان عراق به تأخیر بیفتد و تا زمان رسیدگی به شکایات این دو ائتلاف مهم ممکن نباشد.

اگر اجازه دهید از انتخابات پارلمانی عراق شروع کنیم. وضعیت را چطور می‌بینید؛ آیا نتایج انتخابات برای شما قابل‌پیش‌بینی بود یا خیر؟

یقینا برای خیلی‌ها نتایج انتخابات پارلمانی عراق غیرقابل‌پیش‌بینی بود؛ چه از لحاظ نتایج و چه از لحاظ ضریب مشارکت مردمی. دلیل این است که احزاب عراق؛ چه شیعیان، چه سنی‌ها و چه کُردها به‌صورت جداگانه وارد انتخابات شدند؛ یعنی با انتخابات سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ که شیعیان در یک یا دو لیست وارد انتخابات شده بودند، فرق داشت. انتخابات عراق شبیه وزن‌کشی برای احزاب بود تا احزاب وزن خود را در جامعه عراق بدانند؛ بنابراین نمی‌شد نتایج را پیش‌بینی کرد، ولی پروسه انتخابات به‌خوبی به پایان رسید. امسال انتخابات برای اولین‌بار به‌صورت الکترونیکی برگزار شد. البته برخی‌ها اعتراضات و اشکالاتی را در شمارش و نتایج آرا دارند، ولی درمجموع انتخابات مثبتی را به پایان رساندیم.

اما به نظر می‌آید که نوعی سرخوردگی در میان مردم عراق دیده می‌شود. پایین‌آمدن نرخ مشارکت، نوعی اعتراض خاموش به عملکرد سیاست‌مداران و فساد و ناکارآمدی بود.

یقینا چندین مطلب را می‌توان در این راستا گفت. یکی از مشکلاتی که می‌شود به آن اشاره کرد، بی‌اعتمادی یا کم‌شدن اعتماد جامعه به قشر سیاسی عراق است؛ این چندین علت دارد. دلیل اول فسادی است که در برخی از سازمان‌های دولتی عراق وجود دارد. مشکل دیگر خدمات است و مردم توقع خدماتی مانند برق، راه‌های مواصلاتی، استخدام و کار برای جوانان دارند که به‌خاطر ضعف در این امور، مردم اعتماد خود را به دولت‌ها از دست داده‌اند. مطلب مهم‌تر اینکه همیشه در پارلمان‌های گذشته همان چهره‌ها تکرار می‌شدند و شاید یکی از دلایل عدم مشارکت مردم تکرار چهره‌های شرکت‌کننده در انتخابات بود. برای همین طبق نتایج اعلام‌شده، هیئت‌رئیسه پارلمان عراق در پارلمان جدید رأی نمی‌آورند. اسم‌ها و چهره‌های مطرح که گاهی صدای همسو با مردم دارند، رأی نمی‌آورند یا لیست‌هایی مثل «سائرون» آقای مقتدی صدر یا جریان «حکمت ملی» آقای حکیم مقداری از آرای خود را مرهون دادن لیست جدید و معرفی چهره‌های جدید هستند. جریان حکمت ملی ۹۰ درصد چهره‌هایش جدید بود. اقبال به این لیست‌ها برای این بود که مردم انتظار خدمات از این چهره‌ها دارند. شاید مهم‌ترین چیزی که مردم به آن توجه ندارند این است که جامعه عراق امروز، دغدغه امنیت ندارند. چهار سال قبل داعش و قبل‌تر انتحاری‌ها و القاعده و تروریست‌ها در عراق بودند، ولی الان جامعه از این مشکل عبور کرده و مردم الان به دنبال دریافت خدمات هستند. دو یا سه ماه قبل از انتخابات یک نظرسنجی انجام شد که نتیجه آن نشان می‌داد ۹۰ درصد دغدغه مردم دریافت خدمات بود و ۱۰ درصد از امنیت نگرانی داشتند.

جامعه دنبال افرادی است که به آنها خدمات ارائه دهد و عدالت اجتماعی را رعایت کند و اعتدال‌گرا باشد، نه رادیکال و تندرو.

از اینجا به نکته مهمی می‌رسیم؛ کارنامه افرادی چون هادی عامری مبارزه با داعش است که درمقایسه‌با ائتلاف شما رأی بالایی هم آورده‌اند. درحالی‌که شما می‌گویید که بحث امنیت در اولویت نیست. حتی حیدرالعبادی هم که نخست‌وزیر است کارنامه برجسته‌اش پیروزی بر داعش بوده نه خدمات‌رسانی. چطور شما به این نتیجه رسیده‌اید که امنیت در اولویت مردم نیست؟

مثال‌هایی که زدید دو مقوله مجزا از هم‌اند. آقای عبادی، نخست‌وزیر، فقط موضوع داعش را در کارنامه خود ندارد؛ حل موضوع کرکوک، موضوع تقسیم عراق و همه‌پرسی کردستان عراق هم در کارنامه ایشان هست که به‌صورت مسالمت‌آمیز و بدون هیچ تنشی یا با کمترین تنش حل شد و مردم احساس کردند که عراق انسجام و یکپارچگی خود را حفظ کرده است. البته اینها فقط دستاورد نخست‌وزیر نبود؛ حمایت احزاب و افرادی چون آقای حکیم و دیگران هم در این موفقیت تأثیرگذار بود، اما موضوع مهم این است که لیست «فتح» در حشدالشعبی و مبارزانی که با داعش بودند، متشکل از حدود ۱۸ طرف و گروه مختلف است که اینها باهم این عدد کرسی را به‌دست آورده‌اند. لیست آقای عبادی از ۲۰ گروه و طرف گوناگون تشکیل شده است که توانسته‌اند این کرسی را به دست آورند، اما جریان حکمت ملی به‌تنهایی وارد انتخابات شد، با هیچ لیستی هم ائتلاف نکرد و به‌تنهایی ۲۰ کرسی آورد. ما اگر بخواهیم به‌صورت حزبی این انتخابات را بررسی کنیم، پیروز این انتخابات جریان «حکمت ملی» بود. اگر لیست فتح یا لیست نصر آقای عبادی یا لیست دولت قانون نوری‌مالکی و سائرون جریان صدر را واکاوی کنیم، می‌بینیم که اینها چند جبهه هستند که در آن تعدادی از احزاب حضور دارند.

انتظار دارید که در پارلمان هرکدام از این ائتلاف‌ها تفکیک شوند؟

دقیقا همین‌طور است. این ائتلاف‌ها توانایی گسیختگی را دارند و با اتفاقات آینده ممکن است از هم بپاشند یا تعدادی به لیست دیگری بپیوندند و مصالح موردنظر خود را در ائتلاف‌های دیگری جست‌وجو کنند. اگر بخواهیم دقیق درباره نتایج صحبت کنیم جریان حکمت ملی برنده انتخابات است؛ مثلا در جریان نصر ۲۰ گروه جمع شده و در بین این ۲۰ گروه آقای عبادی حدود ۱۳ کرسی را به خود اختصاص داده و باقی کرسی‌های ائتلاف نصر میان همه این گروه‌ها تقسیم شده؛ یعنی ۴۲ کرسی میان ۲۰ طرف تقسیم شده است. در جریان فتح هم همین‌طور است. در لیست فتح «عصائب اهل الحق» حدود ۱۵ کرسی آورده است و کسی بالاتر از این عدد در لیست فتح نیست. بقیه کرسی‌ها بین سایر گروه‌ها در ائتلاف فتح تقسیم شده است. همه اینها نشان از وضعیت خوب جریان حکمت است. این ائتلاف‌های داخل پارلمان است. خارج از پارلمان هیچ حزبی به ۲۰ تا نرسیده است و این دستاورد خوبی برای جریان حکمت است؛ چراکه با هیچ گروهی پیش از انتخابات ائتلاف نکرده و اکنون تمام ۲۰ کرسی‌ای که کسب کرده است، متعلق به خود جریان است.

نوع ارتباط گروه‌های عراقی با ایران برای ما مهم است. بخش زیادی از دست‌اندرکاران عراقی متحدان نزدیک ایران هستند؛ چه در دوره‌های صدام و چه بعد از آن. مثلا آقای مقتدی صدر چنین است، اگرچه شاهد تغییر موضع‌های شدیدی از سمت ایشان هستیم. این اواخر به نظر می‌رسد چرخشی اساسی در انتخابات انجام داده است؛ طوری که از ایران فاصله گرفته و به عربستان نزدیک شده است. آیا شما هم چنین تحلیلی دارید؟

نه این‌طور نیست. جمهوری اسلامی ایران در نظام جدید عراق و بعد از سقوط صدام از ۲۰۰۳ تا امروز بیشترین پشتیبانی از دولت و مردم عراق را داشتند و قبل از آن عراقی‌هایی که با نظام صدام مشکل داشتند، در ایران مستقر بودند و این ارتباط منطقی است. همسایگی و هم‌مرزی در این ارتباط تأثیرگذار است. نزدیکی میان دو کشور و ملت سبب شده که قومیت‌ها باهم در ارتباط باشند. به دلیل همین نزدیکی قومیتی، فکری و مذهبی احزاب عراقی هم سعی می‌کنند آن را حفظ کنند و بعید می‌دانم که برادران ما در گروه‌های مختلف عراق به این صورت چرخش کرده باشند. البته مصالح ممکن است گوناگون باشد، اما به خاطر آن ارتباط خوب با ایران، مشکلی را به وجود نمی‌آورد.

شما بسیار دیپلماتیک پاسخ می‌دهید.

{خنده}... سؤال شما هم خارج از آن چیزی بود که باید باشد. مواضع جریان صدر باید از سوی خود آن جریان بیان شود.

معمولا در عراق بعد از انتخابات مسائل شروع می‌شود؛ یعنی تا تشکیل دولت چالش‌هایی جدی وجود دارد. این‌بار وضعیت را چگونه می‌بینید؟

یقینا به‌عنوان جریان حکمت ملی و نماینده آقای سیدعمار حکیم ما ایده و طرز تفکری را در جریان حکمت پیگیری می‌کنیم که نشئت‌گرفته از تجربه ۱۵ سال حکومت در عراق جدید است. درگذشته حکومت‌ها به‌صورت توافقی تشکیل می‌شدند؛ همه فراکسیون‌ها و طرف‌های پیروز در انتخابات پارلمانی حضور داشتند و باعث می‌شد که ما «سهمیه‌بندی سیاسی» داشته باشیم، اما طرحی که آقای حکیم دنبال می‌کنند «طرح اکثریت ملی» است که این طرح باعث می‌شود ما اکثریتی در پارلمان داشته باشیم و اپوزیسیون سیاسی هم در همان پارلمان باشد. در این ۱۵ سال اپوزیسیونی نداشتیم.

چون همه در دولت مشارکت داشتند.

بله دقیقا؛ اما طرح آقای حکیم این است که اکثریت همه طیف‌ها و قومیت‌ها و مذاهب عراق در آن حضور داشته باشند و در مقابل هم اپوزیسیونی متشکل از همه قومیت‌ها و مذاهب باشد.

این چقدر ممکن است. مثلا شیعیان دولت تشکیل دهند و سنی‌ها و کردها خارج از دولت، اپوزیسیونی تشکیل دهند؟ به نظر می‌رسد اتفاق دوران دولت آقای نوری مالکی تکرار می‌شود.

این سؤال بجا و خوبی است. ما در اینجا دو مقوله اکثریت سیاسی و اکثریت ملی را داریم. در اکثریت سیاسی که برخی از سیاسیون به دنبال آن هستند، ۱۶۵ کرسی پارلمان یعنی نصف به علاوه یک، نیاز تشکیل دولت است؛ یعنی این ۱۶۵ کرسی همه از شیعیان باشند یا شیعه و کرد یا شیعه و سنی کافی است اما تشکیل دولت براساس اکثریت سیاسی پاسخ‌گوی دغدغه‌های همه اقشار جامعه سیاسی عراق نیست؛ اکثریت ملی که طرح و ایده آقای حکیم است، به دنبال اکثریتی است که نصف به علاوه یک یا بیشتر از کرسی‌های پارلمان عراق با درنظرگرفتن مشارکت قشرهای جامعه عراق (شیعه، کرد، سنی، اقلیت‌های مذهبی) است و در مقابل ایجاد یک اپوزیسیون سیاسی در داخل پارلمان برای نظارت و تصحیح بر عملکرد دولت تشکیل‌شده، شکل می‌گیرد. این اپوزیسیون نیز ملی و متشکل از همه قشرهای سیاسی خواهد بود.

کار سختی است؛ باید بلوک قومیتی را بشکنید.

در این انتخابات بلوک قومیتی شکسته شد. با لیست‌های ملی که مطرح شد، این بلوک شکسته شد. همه لیست‌های حاضر در انتخابات، لیست ملی دادند. مثلا در سال ۲۰۱۴ نمی‌دیدید لیستی با اکثریت شیعی در مناطق کردی و سنی نماینده معرفی کند اما در انتخابات ۲۰۱۸ این مسئله را داشتیم.

خروجی چیست؟

عراق اکنون در مرحله گذار است و نتایج و خروجی اصلی این امر در آینده نمایان خواهد شد. مهم این است که اکنون این تابو شکسته شد.

شما وقتی از جریان حکمت ملی صحبت می‌کنید؛ این یعنی جریان شیعی؟

نه این‌طور نیست. لیست نصر هم تعداد کرسی بالایی را در مناطق سنی به دست آوردند. حتی لیست فتح هم در مناطق سنی کرسی به دست آورد.

آقای حسینی این به دلیل جبهه‌ای بودن لیست ائتلاف‌هاست.

لیستی به نام لیست شیعه نبود و لیست ملی بود.

بله. احزاب سنی طرفدار آقای عبادی که در ائتلاف نصر بودند، به آقای عبادی رأی دادند.

یعنی قومیتی و طایفه‌ای نیست و حالت ملی داشت. جریان حکمت هم در بخش سنی‌نشین لیست داشت و الان در موصل نماینده دارد. در منطقه کردستان هم جریان حکمت ملی لیست داشت. در لیست دوستان فتح که نماد مبارزه با داعش و جهاد هستند، از حشد سنی حضور داشتند تا مسیحی‌ها. این نشان می‌دهد که همه به سمت لیست ملی می‌روند. نتیجه را مردم تعیین می‌کنند نه ما. ولی عملا صف‌بندی‌های ۲۰۱۴، ۲۰۱۰، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۵ را الان نداریم که شیعیان در یک لیست و کردها در لیست دیگر و سنی‌ها در لیست جداگانه در انتخابات شرکت کنند. کردها در شش لیست حضور داشتند. یک نکته دیگر اینکه موفقیت طرح اکثریت ملی را باید به‌روزهای آینده سپرد تا ببینیم در آینده چه تفاهم‌هایی صورت می‌گیرد ولی الان اغلب طرف‌ها تشکیل دولت براساس اکثریت ملی را قبول دارند.

نماینده آیت‌الله سیستانی قبل از انتخابات شاخصه‌هایی را برای تشکیل دولت و رأی‌دادن معرفی کردند. به نظر شما گروه‌ها چقدر این شاخصه‌ها را رعایت می‌کنند. البته ممکن است ترکیب کابینه عوض شود، گزینه شما برای نخست‌وزیری کیست؟ پاسختان غیر از این باشد که بگویید برای اظهارنظر زود است.

زود که هست اما بحث مطرح در دیدارهای احزاب و ائتلاف‌ها، اسم نیست. الان برنامه دولت آینده بررسی می‌شود. قرار است اول در برنامه توافق شود و بعدا روی اسم؛ اینکه اصلاحاتی داشته باشیم و با فساد مبارزه کنیم.

اینها موارد کلی است و همه روی این مسائل با هم توافق دارند.

بله ولی روش‌ها و ایده‌ها متفاوت است. اساس گفت‌وگوهای آقای حکیم با همه احزاب با آقایان صدر، عبادی، عامری با سنی‌ها و کردها همین است. محور بحث‌ها سه‌تاست: برنامه نخست‌وزیر آینده، شاخص‌های وزیر دولت آینده و برنامه هر وزارتخانه برای دولت آینده چیست. اینکه چه کسی باشد خیلی مهم نیست. امروز اولویت جریان حکمت ملی شخصی مستقل است که برای نخست‌وزیری توافق شود. ما در این ۱۳-۱۴ سال دیده‌ایم که فقط یک طرف در عراق حکومت را اداره می‌کرد. ما نیاز به چرخش قدرت داریم تا با آوردن فردی مستقل وارد مرحله جدیدی بشویم.

منظور شما چهره تازه‌ای است؟

بله چهره مستقلی که بتواند شاخص‌های لازم برای نخست‌وزیری را داشته باشند.

می‌توانیم این‌گونه نتیجه‌گیری کنیم که شما ترجیح می‌دهید آقای حیدرالعبادی نخست‌وزیر عراق نباشد؟

اولویت ما شخص مستقلی است؛ اما همان‌طور که آقای حکیم در دیدارها و سخنرانی‌ها تأکید داشتند، جریان حکمت ملی روی شخص یا لیست پیروزی خط قرمز نکشیده است. این بستگی به توافقات دارد.

چقدر ممکن است تشکیل دولت عراق زمان ببرد؟

امیدوارم خیلی طول نکشد.

دفعه قبل بن‌بست خیلی بزرگی بود.

بله. چون در انتخابات گذشته یک طرف تعداد کرسی‌های بسیار بالایی داشت، اما الان همه در یک سطح هستند. تعداد ۵۰، ۴۸، ۴۲ و حتی جریان حکمت که ۲۰ کرسی آورده که به نظر ما مهم‌ترین وزنه این پارلمان خواهد بود.

چون بقیه ناچار هستند که با شما ائتلاف کنند.

چون می‌شنویم که یک هم‌پیمانی و نزدیکی میان سائرون و آقای عبادی است و نزدیکی و هم‌پیمانی میان دوستان فتح و دولت قانون را می‌شنویم. این جریان حکمت است که در هر کفه‌ای قرار گیرد، آن را سنگین می‌کند.

ائتلاف شما با جریان صدر و سائرون که از کمونیست‌ها تا سکولارها داخل آن هستند، چقدر ممکن است؟

نگاه کنید الان لیست‌های ارائه‌شده با دید ملی بسته شده و وارد انتخابات شده‌اند. مهم تفاهم اشتراکات در برنامه و هدف در دولت آینده است نه طیف‌ها. مصلحت‌اندیشی برای عراق و ملت عراق و با اولویت خدمات‌رسانی، مبارزه با فساد و اشتغال‌زایی و اهمیت‌دادن به جوانان است.

آن‌طور که به نظر می‌رسد، ائتلاف شما با بلوک صدر منتفی است؛ به نظر اختلاف‌ها ریشه‌ای‌تر از این است.

نه. آقای حکیم و آقای صدر ارتباط خوبی با هم دارند و در گذشته در سال ۲۰۱۴ توانستند با همکاری و ائتلاف با یکدیگر در چندین شورای استان عراق پیروز شوند و دولت‌های محلی را تشکیل دهند. به‌نظر این هم‌پیمانی همچنان پابرجاست.

چقدر احتمال رأی‌دادن به مالکی، علاوی و عبادی وجود دارد؟

هنوز نمی‌توانیم خیلی دراین‌باره حرفی بزنیم.

شما ناگزیر هستید این چهره‌ها را انتخاب کنید.

نه این‌گونه نیست. ما اهدافی که دنبال می‌کنیم چرخش قدرت و معرفی چهره جدید است تا مردم به آینده امیدوار شوند. باید کسی بیاید و اعتماد ازبین‌رفته میان مردم و مسئولان را بازسازی کند. ما در عراق مشکل منابع نداریم و این شعاری است که آقای حکیم روی آن اصرار دارند. مشکل ما مشکل مدیریت منابع است. ما اگر بتوانیم شخصی را به‌عنوان نخست‌وزیر و کابینه دولتی که وزرای آن کارآمد باشند را معرفی کنیم، می‌توانیم اعتماد را برگردانیم. ولی اگر به سهمیه‌بندی سیاسی و حالت توافق در سیاست برگردیم، شاید نگران‌کننده باشد؛ اما موفقیت اگرچه سخت است، ولی دور از دسترس نیست. باید مصلحت مردم و ملت عراق در اولویت سیاست‌مداران عراقی باشد. آینده خوب خواهد بود اگر در این راستا حرکت کنیم. آقای حکیم بعد از اعلام نتایج انتخابات دیدارهای زیادی داشته‌اند و رهبران جریان‌های مهم سیاسی برای مشورت و رایزنی به دیدار ایشان آمده‌اند. دیدار با مقتدی صدر، حیدر عبادی، هادی عامری، سلیم جبوری، نجیفی و حتی حزب دموکرات و حزب اتحادیه میهنی ازجمله دیدارهای صورت‌گرفته در این مدت است.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه اول

زنانی که هیچ‌کس دوستشان ندارد

این خبر احتمالا ذهن بسیاری از مخاطبان را درگیر کرده است که چرا ۴۰ درصد زنان زندانی ملاقات‌کننده‌ای ندارند؟ یا به‌عبارتی کسی آنها را دوست ندارد؟ قبل از اینکه به عواقب این ماجرا بپردازیم، لازم است بدانیم آمار زنان زندانی در کشور چقدر است و ۴۰ درصد این زنان چشم‌انتظار چقدر می‌شود؟ از سویی دیگر لازم است بدانیم جرائم این زنان چیست که این‌گونه طرد شده‌اند و کسی از آنها سراغی نمی‌گیرد. در ایران آمار دقیقی درباره جرائم زنان و نسبت زنان زندانی در سال‌های اخیر در دست نیست و تنها منبع در دسترس درباره این آمار، اعداد و ارقامی است که گاه و بی‌گاه، آن‌هم نه به‌صورت منسجم و دسته‌بندی‌شده، از سوی مسئولان ارائه می‌شود. اصغر جهانگیر، رئیس سازمان زندان‌ها، اول خرداد ۹۶ جمعیت زندانیان را ۲۲۳هزار نفر عنوان کرد. همان روز حمید شهریاری، معاون رئیس قوه قضائیه به خبرگزاری تسنیم گفت: ۲۲۵هزار نفر در زندان‌های کشور زندانی‌اند. به گفته او به‌ازای هر صد هزار نفر، ۲۸۷ نفر زندانی وجود دارد. ۳۰ روز بعد خبرگزاری تسنیم به‌نقل از رئیس کل دادگستری استان خوزستان نوشت: تعداد زندانیان کشور ۲۴۰ هزار نفر است. طبق ادعای مسئولان سهم زنان و کودکان از این آمار سه الی چهار درصد است. اگر مبنا را همان ۲۲۳ هزار زندانی (آمار رئیس سازمان زندان‌ها) در نظر بگیریم، مفهوم چهار درصد آن، یعنی حدود هشت هزارو ۹۶۰ زن و کودک زندانی هستند که به گفته رئیس سازمان زندان‌ها، ۴۰ درصد این زنان ملاقات‌کننده ندارند؛ یعنی چیزی حدود سه‌هزار و ۵۶۸ نفر. اگرچه به‌لحاظ آماری و عنصر دربرگیری که یکی از عناصر مهم خبر را تشکیل می‌دهد، این رقم ناچیز است اما باید دید این رقم برای چه افرادی تعریف می‌شود؛ زنانی که قرار است پس از خاتمه کیفر و تحمل زندان به خانه و جامعه بازگردند و نقش خود را به‌عنوان همسر یا مادر ایفا کنند. مشکل اصلی این افراد نه در طی‌کردن مراحل جامعه‌پذیری دوباره در کانون خانواده و تبدیل رفتار نابهنجار به هنجار است، بلکه استمرار وضعیت اصلاح‌شده آنان در عرصه عمومی جامعه است. در واقع حضور این اقشار آسیب‌پذیر در چنین مراکزی، داغ ننگی را بر پیشانی آنان می‌زند که زدودن آن را حتی ساختارهای رسمی هم برنمی‌تابد. براساس آمارهای موجود از نظر ترکیب جرم زنان، بیشترین جرائم در میان آنها، جرائم اخلاقی، جنسی و مواد مخدر بوده و نسبت کمی (حدود ۳۰ درصد) به جرائم خشونت‌آمیز و اقتصادی اختصاص داشته است. با نگاهی به این ترکیب می‌توان حدس زد زنان بدون ملاقات‌کننده، احتمالا مرتکب جرائم اخلاقی و جنسی هستند. عوارض فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی زندانی‌شدن یک فرد، خصوصا یک زن بر هیچ‌کس پوشیده نیست. در این زندانیان می‌توان به‌راحتی بروز توهم، شک و تردید، یأس، تضعیف اعتمادبه‌نفس و سرکوب غرایز جنسی را مشاهده کرد. حضور مادر خانواده در زندان، علاوه بر ضربه جبران‌ناپذیر به پیکره زنانه او، خانواده و اطرافیان را درگیر کرده و موجبات توسعه جرم در جامعه را فراهم می‌کند. زندانی‌شدن زنان جرم‌زا خواهد بود؛ چراکه دیگر از نقش مادر در خانواده و تثبیت‌کننده نظم و آرامش خبری نیست و زندانی‌شدن او، تبعات منفی فرهنگی و اجتماعی زیادی به‌بار می‌آورد. نبود مادر، باعث افزایش جرم و بزه فرزندان و از هم پاشیدگی کانون خانواده و... می‌شود. یعنی محکمه، زندان، قانون و خانواده به‌جای اصلاح، او را تبدیل به یک موجود خطرناک کرده‌اند که هر لحظه می‌تواند رفتارش خطرآفرین باشد. زنان به‌عنوان اقشار آسیب‌پذیر جامعه محتاج نگاه ویژه‌ای از سوی سازمان زندان‌ها هستند. اگر قرار باشد زندان جایی برای تنبیه و تربیت باشد، بدون اداره این تنش و ناامنی، فقط ابزاری برای رنج زنان و پایه‌گذاری نابسامانی‌های روانی برای آنان و جامعه در کوتاه‌مدت و درازمدت می‌شود. ازاین‌رو باید فرهنگ‌پذیری مراقبت و کوشیدن برای بازگشت مجرمان به جامعه در دستور کار قرار گیرد. سازمان زندان‌ها می‌تواند با شناسایی این زندانیان و خانواده‌های آنان، سعی کند پیوندی دوباره میان آنها برقرار کرده یا از برخی گروه‌ها و نهادهای مدنی بخواهد به دیدار این زنان بروند تا امید و بازگشت به جامعه را در آنها تقویت کنند. این سازمان همچنین می‌تواند از روان‌شناسان و مشاوران و حتی جامعه‌شناسان برای حل این معضل کمک بگیرد. از سویی دیگر رسانه‌ها نیز باید در این راه دشوار قدم گذاشته و آموزش‌های عمومی لازم را در اختیار این خانواده‌ها قرار دهند تا آنها برای دیدار با زن زندانی تمایل پیدا کنند. ضرورت دارد که در صداوسیما، مدارس و مراکز مرتبط، آموزش مسائل حقوقی و کیفری ارائه شود تا از دامن‌گستری جرائم و زندانیان زن کاسته شود. تخفیف مجازات و اجرائی‌کردن مجازات‌های جایگزین هم از دیگر راهکارهاست. برای مقامات قوه قضائیه هم مشخص شد که زندان با شرایط کنونی نه‌تنها مانع از بروز جرائم نمی‌شود بلکه به‌خودی‌خود باعث رشد بسیاری از جرائم می‌شود. به‌همین‌خاطر قانون جدید آیین دادرسی کیفری با رویکردی نوین بحث جایگزینی مجازات حبس را مطرح و دست قضات را در استفاده از مجازات‌های جایگزین به‌جای زندانی‌کردن افراد باز گذاشته است؛ مجازات‌هایی مانند ارائه انواع خدمات اجتماعی به اشکال مختلف و ارائه راهکارهای نوین دیگری که در کشورهای توسعه‌یافته کاربردی شده است، می‌تواند نقش بسزایی در کاهش جرائم زنان داشته باشد تا آنها از برچسب زندانی‌شدن رهایی یابند.